

نقد آثار برگزیده‌ی شعر شورای کتاب کودک در دهه‌ی چهل

جواد دهقانیان*

طاهره بشیری‌زاده**

چکیده

معرفی آثار برتر شعر کودک، همان‌قدر که در شکل‌گیری هویت شعر کودک مؤثر است، در جهت‌گیری دوسویه‌ی شاعر و مخاطب و همچنین درک وجوه زیبایی‌شناختی آن تأثیرگذار است. تکیه بر متن، به‌ویژه توجه به رخدادهای زبانی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر شعری، به شناختی دقیق‌تر از ملزومات شعر کودک منجر خواهد شد؛ زیرا صورت زبانی مهم‌ترین و ملموس‌ترین ویژگی شعر کودک است. شورای کتاب کودک در جایگاه نهادی مهم و تأثیرگذار، از آغاز تأسیس با فاصله‌گیری از نقد ذوقی کوشیده است برای نقد و گزینش آثار برتر، معیارهایی در نظر بگیرد. در اینجا با توجه به معیارهای تعیین‌شده‌ی این نهاد، میزان تطبیق این معیارها با آثار برگزیده‌ی این شورا در دهه‌ی چهل بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به ترتیب زمانی از میان سه اثر منتخب این دهه؛ یعنی فری به آسمان می‌رود سروده‌ی عباس یمنینی شریف، قصه‌ی طوقی سروده‌ی محمود مشرف آزادتهرانی و گل اومد، بهار اومد سروده‌ی منوچهر نیستانی، در دو اثر اخیر، معیارهای شورا دقیق‌تر شده و آثار برگزیده انطباق بیشتری با آنها دارند. البته

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و عضو هیأت علمی سابق دانشگاه هرمزگان

mirjavad2003@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان t.bashirizadeh@gmail.com

معیارهای گزینش و نقد شورا در این سال‌ها خالی از آشفتگی و نقص‌های فنی نیست، اما باتوجه‌به نوپایی ادبیات کودک و رویکرد تعلیمی این نهاد، توجه‌پذیر است.

واژه‌های کلیدی: دهه‌ی چهل، شعر کودک، شورای کتاب کودک، معیار شعر.

۱. مقدمه

جوایز ادبی در پرورش و حتی ساخت ذوق ادبی مخاطب و جهت‌گیری‌های فرهنگی نویسندگان و شاعران اهمیت اساسی دارد و آثاری که این جوایز را دریافت می‌کنند، معمولاً توجه مخاطبان را بیشتر به خود جلب می‌کنند. در ایران شورای کتاب کودک در طول شش‌دهه فعالیت خود با پیش‌گرفتن چنین شیوه‌ای و با معرفی و گزینش آثار برتر، در ارتقای سطح شعر و ادبیات کودک سهمی بسزا داشته است. علاوه‌بر تحولی که این مسئله بر ادبیات کودک و به‌طور مشخص شعر کودک داشته، رهاورد دیگر شورا، تأثیری است که بر فضای نقد ادبی گذاشته است. شورا در این سال‌ها با تعیین معیارهایی برای نقد و داوری آثار، عملاً هم در کیفیت آفرینش شعر کودک و هم در نقد آن، نقشی ارجمند ایفا کرده است.

تاکنون عملکرد شورا در تعیین معیارها و میزان تطبیق آن‌ها با آثار برگزیده بررسی نشده است. باتوجه‌به نقش مهم این نهاد در ساخت و پرورش ذوق ادبی کودک، خانواده و شاعر، این موضوع شایسته بررسی است. ازاین‌رو نقد کارنامه و عملکرد اولین دهه‌ی فعالیت شورا براساس دو متغیر جامعه آماری (سه اثر برگزیده) و معیارهای مدنظر شورا، موضوع اصلی این پژوهش قرار گرفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین معیارهای شورا درباره‌ی نقد شعر کودک در گزارش زیر آمده است:

مضمون آثار شعری این گروه از کودکان [تا هشت سال] باید از محسوسات و امور قابل فهم این سنین و مربوط به محیط زندگانی کودک باشد. شادی‌بخش باشد. خیال‌آفرین باشد. کودک را نسبت‌به موجودات و اشیاء محیط زندگانی‌اش علاقه‌مند گرداند. دید و ادراک او را به زیبایی‌ها توسعه دهد و او را کنجکاو و دقیق سازد.

- از نظر زبان شعری رعایت نکات ذیل نیز لازم شمرده شده است:
۱. رعایت وزن و قافیه، اما در مورد قافیه سختگیری زیاده از حد ضرور نیست.
 ۲. اوزان شعری باید کوتاه باشد و کلمات هر مصراع و بیت کم باشد.
 ۳. اوزان شعری باید شاد باشد.
 ۴. تعداد ابیات شعر کم باشد.
 ۵. به‌کاربردن کلمات مخفف و ابدال و لغات محاوره‌ای قابل فهم کودک، به هدایت ذوق سلیم جایز است.
 ۶. به‌کاربردن کلمات کودکانه و اصوات مجاز است (سهراب، ۱۳۴۶: ۱۰).
- زبان و مضمون شعر در دیدگاه نظریه‌پردازان و داوران شورا بیشترین اهمیت را داشته و در نقد آثار بیشتر به آن توجه شده است؛ موضوعی که باعث شده نقدهای شورا تا حدودی به نظریات فرمالیست‌ها نزدیک شود. به همین دلیل، پس از معرفی آثار منتخب و طرح گزارش شورا، نخست این آثار از دیدگاه زبانی و سپس از نظر موسیقایی و تصاویر بررسی خواهند شد.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

«شورای کتاب کودک» از بدو تأسیس در سال ۱۳۴۱ کمبودها و نواقص شعر کودک را همواره یکی از نگرانی‌ها و موضوعات مهم خود دانسته است و در نخستین سطرهای اولین گزارشی که از نشست‌های خود منتشر کرده، آورده است که «بزرگترین کمبود در رشته کتاب‌های کودکان و نوجوانان در سنین مختلف، کتاب‌های شعر است. این کمبود عظیم به‌خصوص برای سنین دبستانی بسیار محسوس است» (سهراب، ۱۳۴۲: ۳). انتخاب کتاب‌ها در این سال‌ها، بر مبنای معیارهایی کلی بوده و هدف از انتخاب آن‌ها تشویق فعالان به خلق آثاری بیشتر و اعتلای ادبیات کودک در ایران بوده است. در سال ۱۳۴۴ کتاب فری به آسمان می‌رود سروده‌ی عباس یمینی‌شریف، در سال ۱۳۴۷ قصه‌ی طوقی سروده‌ی محمود مشرف‌آزادتهرانی و در سال ۱۳۴۸ گل اومد بهار اومد سروده‌ی منوچهر نیستانی به‌عنوان کتاب‌های برگزیده‌ی شعر کودک انتخاب شدند. در دومین سمینار ملی

ادبیات کودکان و نوجوانان که در سال ۱۳۴۵ برگزار شد، ویژگی‌ها و معیارهای شعر کودک بر مبنای مقاله‌ای از عباس یمینی شریف با عنوان «شعر کودکان و نوجوانان» به‌طور دقیق‌تر تعریف شد. عباس یمینی شریف در این مقاله به تاریخ شعر کودک در ایران و روند کند رشد آن پرداخته و از مهجوربودن ادبیات کودک به‌ویژه شعر، این چنین شکایت می‌کند: «با اینکه کشور ایران از حیث شعر و ادب از غنی‌ترین و پرسابقه‌ترین کشورهای جهان است و به داشتن شاعران نامدار و ادیبان نام‌آور مشهور و معروف است، ولی در مورد شعر و ادبیات کودکان و نوجوانان نه‌تنها غنی نیست، بلکه از طرفی تنک‌مایه و نیازمند است و از طرف دیگر برای به‌کاربردن سرمایه‌ی کم خود نیز آمادگی ندارد و یا از آن بی‌خبر و یا نسبت به آن بی‌اعتناست» (سهراب، ۱۳۴۶: ۱۰). یمینی شریف در این مقاله مختصات اشعار کودکان را به‌طور دقیق بیان کرده که اساس داوری شعر شورا در این سال‌ها می‌گردد. او به‌طور مفصل به معرفی محتوا، مضمون، زبان و تأثیرگذاری شعر بر مخاطب پرداخته و تصویری همه‌جانبه از شعر مناسب کودک ارائه داده است. به این ترتیب از سال ۱۳۴۵ ملاک‌های بررسی شعر، دقیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر شد. البته درباره‌ی معیارهای زیبایی‌شناختی شعر کودک پیش از تأسیس شورای کتاب کودک هم، جسته و گریخته اظهارنظرهایی وجود دارد، اما براساس گزارش‌های معصومه سهراب از فعالیت‌های شورای کتاب کودک، مقالات و سخنرانی‌های عباس یمینی شریف و محمود کیانوش نقطه‌عطفی در نقد شعر کودک به وجود آورد. پس از آن لیلی آهی، توران میرهادی و مهدخت دولت‌آبادی به معیارهای سنجش شعر در بخشی از کتاب *گذری در ادبیات کودکان پرداخته‌اند*. معصومه سهراب همچنین در کتاب *هفده مقاله درباره‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان*، بخشی را به معرفی معیارهای سنجش شعر از دیدگاه عباس یمینی شریف و لیلی آهی اختصاص داده است. براساس این آثار، در این دهه زبان و محتوا بیشتر مدنظر شورا بوده است. موسیقی رکن دیگری از شعر کودک است که معمولاً در ضمن بیان ویژگی‌های زبانی، معیارهایی برای آن تعیین شده است. نقاشی برای کتاب کودک حتی در همان سال‌های نخست کم‌وبیش توجه منتقدان و داوران شورا را به خود

جلب کرد و معیارهایی برای آن در نظر گرفته شد. شورا بیشتر بر تناسب نقاشی‌ها با سن کودکان و استفاده از عناصر هویتی و ملی تاکید داشت (رک. سهراب، ۱۳۴۲: ۱۲). در سال‌های پایانی این دهه با گسترش صنعت و افزایش توجه پدید آورندگان کتاب کودک به اهمیت مصورسازی آثار، توجه به کتاب‌های تصویری افزایش یافت.

۳. تحلیل آثار

۱.۳. فری به آسمان می‌رود

مجموعه‌ی فری به آسمان می‌رود سروده‌ی عباس یمینی شریف است، تصاویر آن را مرتضی ممیز کشیده و انتشارات امیرکبیر آن را منتشر کرده است. فری به آسمان می‌رود داستانی منظوم در ۳۲ صفحه و با تصاویری کم، ساده و سیاه‌وسفید، درباره‌ی دختر کوچکی به نام «فری» است که وقتی با دوستانش برای گردش به بیرون می‌رود، باد او و چترش را با خود می‌برد. فری پس از گم شدن و پشت‌سر گذاشتن حوادث گوناگون و مواجهه با حیوانات، با کمک و چاره‌اندیشی آن‌ها نجات می‌یابد. ابتدا حیوانات او را به خانه‌ی زن و مردی بی‌فرزند می‌برند و پس از مدتی که آن‌ها با فری خو می‌گیرند، خانواده فری پیدا می‌شود و او به خانه برمی‌گردد. این کتاب برای سنین هشت تا دوازده سال انتخاب شده است.

گزارش شورا درباره‌ی کتاب:

این کتاب تألیفی است به نظم و ماجرای شیرینی است که محبت و همدردی حیوانات مختلف و نوع‌دوستی انسان‌های ساده کشور ما را نشان می‌دهد. نظم ساده و روانی دارد که در خور فهم کودکان است. ولی در چاپ این کتاب معایبی است که باید بدان توجه شود. اگر تعداد صفحات این کتاب بیشتر می‌شد، حروف بزرگتری برای چاپ انتخاب می‌کردند و جای بیشتری به تصاویر اختصاص می‌دادند، شکی نیست که جلوه‌ی کتاب بیشتر و خواندن آن از نظر بچه‌ها آسان‌تر و دلنشین‌تر می‌شد (سهراب، ۱۳۴۵: ۹).

باید در نظر داشت که در سال ۱۳۴۴ هنوز معیارهای انتخاب شعر کلی است و به‌طور دقیق تبیین نشده است؛ همچنین آثار منتشرشده، بسیار اندک‌اند. «در سال ۱۳۴۴ مجموعاً ۸۳ کتاب برای کودکان و نوجوانان به چاپ رسید. از این تعداد ۶۹ کتاب ترجمه و ۱۴ کتاب تألیف است و بیشتر تألیف‌ها برای کودکان ۳ تا ۸ سال در نظر گرفته شده است... و از نظر موضوعی کتاب‌ها داستان و افسانه هستند» (همان: ۷-۸). فری به آسمان می‌رود اولین کتاب شعر منتخب شورای کتاب کودک در این سال منتشر شد.

۱.۱.۳. زبان

یمینی‌شریف که خود یکی از مؤسسان شورا است، در مقدمه خطاب به کودکان و در تشریح وضعیت شعر کودک می‌نویسد: «چند سالی است که عده‌ای نویسنده ذوق و فکر خود را در راه تهیه کتاب برای شما به کار می‌برند... خوشبختانه کتاب‌هایی که برای شما تهیه می‌شود از همه گونه است. افسانه‌های مختلف، کتاب‌های علمی، شرح‌حال‌ها و سرگرمی‌ها. اما بیشتر این کتاب‌ها به نثر است و به شعر کمتر کتاب برای شما تهیه شده است...» (یمینی‌شریف، ۱۳۴۴: سه). وی در ادامه درباره‌ی انگیزه‌ی سرودن این اثر، می‌افزاید:

می‌دانید که زبان شیرین شما هم به شعر است و هم به نثر و کسی که می‌خواهد خوب بنویسد و خوب سخن بگوید و از گفته‌ها و نوشته‌ها لذت بیشتری ببرد، باید هم با شعر آشنا باشد هم با نثر. هم کتاب‌هایی به شعر بخواند هم به نثر. بنابراین کتاب فری به آسمان می‌رود برای شما به شعر تهیه شده است و این داستانی است به زبان شعر. آن هم شعری است ساده و روان که فهمیدن آن بسیار آسان است. امیدوارم که این داستان برای شما مفید باشد و پس از آن از خواندن شعر لذت بیشتری ببرید (همان).

نخستین موضوعی که در نقد و داوری این اثر خود را نشان می‌هد، تأکید شورا بر تمایز نظم و شعر از یکدیگر است. در گزارش شورا به این نکته اشاره شده که این کتاب تألیفی است به نظم. در این زمینه در زبان‌شناسی بحث‌های گسترده و متنوعی شده است. زبان‌شناسان «نظم را نوعی از کلام می‌دانند که در نتیجه‌ی عوامل «قاعدہ‌افزا» به زبان مانند افزودن وزن و قافیه پدید می‌آید؛ اما شعر نتیجه‌ی «برجسته‌سازی» زبان است و بر بنیاد گریز از هنجارهای زبان خودکار استوار است» (صفوی، ۱۳۹۵: ۵۲). با این نگاه این اثر

را بیشتر می‌توان نظم دانست تا شعر؛ زیرا عوامل ساخت شعر در آن محدود به عوامل قاعده‌افزا است. در علم زبان‌شناسی این‌گونه تلاش‌ها در سرودن شعر، بیشتر بر «برونه‌ی زبان» استوار است و فقط عوامل قاعده‌افزا مانند وزن عروضی، قافیه و گاهی صنایع ادبی سامان‌دهنده‌ی آنند (رک. سلاجقه، ۱۳۸۵: ۳۲۱). شاعر در کتاب نیم‌قرن در باغ شعر کودکی، به این نقد پاسخ می‌دهد:

درحالی‌که زبان شعر، زبانی زیبا، موزون، خوش‌آهنگ، جالب، جاذب و سریع‌التأثیر و تیزنفوذ است، چرا از آن برای امور زندگی استفاده نشود و اگر استفاده شد بگویند شعر نیست، پس چیست؟ اگر می‌گویند آن نظم است، کلمه‌ی نظم از ارزش این‌گونه اشعار نمی‌کاهد، زیرا معنی نظم عام‌تر از معنی شعر است. از طرفی کلام را به‌طور کلی به نظم و نثر تقسیم می‌کنند. از طرف دیگر، اگر کلامی مقید به هیچ‌گونه نظمی نباشد، نه‌تنها شعر نیست، بلکه تعدادی کلمات است که مانند مخلوطی از حبوب در ظرفی ریخته باشند (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۹).

بنابراین از نظر یمینی شریف تمایز میان نظم و شعر موضوعیت ندارد. در گزارش شورا ویژگی‌هایی چون «سادگی و روانی» زبان شعر، توجه شاعر به دایره‌ی شناخت واژگانی کودک و تصویرهای عینی و ملموس این مجموعه تحسین شده است. در این منظومه از کاربردهای استعاری و لایه‌مند که از درک کودک خارج است، آگاهانه پرهیز شده و درنهایت نوعی بینش کودکانه در سرتاسر سروده احساس می‌شود، اما کلمات و عباراتی یافت می‌شود که تا حدودی برای کودکان نامأنوسند؛ مانند: زارید، صلاح، هول، حیرت، جان می‌سپاریم، بریان و...، همچنین در برخی ابیات، جملات به‌لحاظ نحوی پیچیدگی و تعقید دارند.

چو ما از کار خود آسوده گردیم تمام کار کشت و زرع کردیم
بیاییم و فری جان را ببینیم فری جان را در آن جا ما ببینیم

(یمینی شریف، ۱۳۴۴: ۳۰)

مصرع دوم در بیت دوم، تنها برای پرکردن وزن عروضی آورده شده است. همچنین در مصرع «تمام کار کشت و زرع کردیم»، ضعف تألیف موجود است و منظور شاعر این

بوده که «تمام کارهای کشت و زرع را انجام دادیم» یا «کار کشت و زرع را تمام کردیم». در این مصرع با برداشت اول، فاصله بین اجزای فعل مرکب و با برداشت دوم، حذف حرف اضافه «را»، زبان سروده را ناخوشایند کرده است.

شاخص‌ترین عنصر هستی‌بخش در این سروده، عنصر «روایت» است. عنوان کتاب از همان آغاز مخاطب را آماده‌ی شنیدن داستان می‌کند؛ داستانی که پررنگ‌ترین عامل آشنایی‌زدای آن عنصر خیال است. استفاده از روایت خطی که پایانی خوش دارد و تخیلی خوشایند که بیرون از دنیای تصورات کودکانه نیست، به خلق فضایی کودکانه منجر شده است. ارائه‌ی تصویری از حیوانات که کنش‌های انسانی دارند، از دیگر تمهیداتی است که شاعر برای جذب مخاطب خود به کار گرفته است. انتساب رفتارهایی از قبیل تأمل کردن، چاره‌اندیشی، دلسوزی و... به حیوانات در کنار صحبت کردن آن‌ها و درنهایت همکاری آن‌ها برای نجات فری، موجب آشنادایی و ورود کودک به دنیایی متفاوت شده است، دنیایی رؤیایی که برای کودکان بسیار خوشایند است.

به اعتقاد یاکوبسن نقش عاطفی زبان، در حروف ندا بروز می‌یابد مانند: ای، وای... (رک. صفوی، ۱۳۹۵: ۳). سلاجقه درباره‌ی شعر کودک نکته‌ی مهم دیگری را بر این اصل می‌افزاید: «به نظر می‌رسد که نقش عاطفی زبان باتوجه‌به معانی آن در سطوح ادبی و در بحث مورد نظر ما، با تعریف زبان‌شناسانه‌ی آن کاملاً منطبق نیست و فقط به حروف ندا و جمله‌های مرتبط با آن ختم نمی‌شود و می‌توان حوزه‌ی گسترده‌تری را برای آن در نظر گرفت که تا حدودی نقش «همدلی» را نیز دربرمی‌گیرد» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۲۷۶). کاربرد کلمات و عبارات عاطفی مانند جان، جانم و عزیزم، شاعر را در پردازش زبانی صمیمی و نزدیکی بیشتر به مخاطب خود یاری کرده است. همچنین کمک حیوانات برای نجات فری، ابراز احساسات و دلسوزی و یاری آن‌ها، گریه‌کردن‌های مکرر فری به دلیل دوری از پدر و مادر، محبت و وابستگی خانواده روستایی به فری و در آخر جداشدن آن‌ها از او، در مجموع فضای سروده را عاطفی و حس‌برانگیز کرده است. وزن عروضی این سروده نیز در انتقال این حس بی‌تأثیر نیست:

فری چون شد ز دست گرگ آزاد به پشت در نشست و گریه افتاد
 به خواب ناز بودند آن زن و مرد صدا از خواب خوش بیدارشان کرد...
 پرید از جای خود ناگاه دهقان دوید و رفت پشت در هراسان
 از او پرسید دخترجان که هستی؟ بگو جانم چرا اینجا نشستی؟
 تو اسمت چیست، از اهل کجایی؟ چنین گریان و ناراحت چرایی؟...
 به او گفت: ای عزیزم بچه جانم! بیا ای دختر شیرین زبانم ...
 (یمینی شریف، ۱۳۴۴: ۲۲)

در گزارش نقد این کتاب، محبت و همدردی حیوانات و نوع دوستی انسان‌ها، به‌عنوان نکته‌ی برجسته‌ی کتاب ذکر شده و داوران این مضمون را تحسین کرده‌اند (رک. سهراب، ۱۳۴۵: ۹).

۲.۱.۳. موسیقی

مهم‌ترین خلاء این سروده، ضعف موسیقی مناسب کودکان است. چیزی که در داوری اثر نیز هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. موسیقی شعر به‌مراتب برای کودکان جذاب‌تر از محتواست: «برجسته‌ترین ویژگی شعر که نماینده‌ی تعلق این‌گونه شعرها به حوزه‌ی تفکیک‌شده‌ی شعر کودک است، استفاده از عنصر موسیقی در ساخت این‌گونه شعرهاست» (خسروی‌شکیب و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). فری به آسمان می‌رود در قالب مثنوی و در وزن هزج مسدس مقصور (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) سروده شده است. قالب مثنوی و این وزن برای داستان‌سرایی و روایتگری در ادبیات فارسی بسیار استفاده شده است. وزن عروضی در شعر بسیار مهم است، زیرا موسیقی بیرونی در القای درون‌مایه و همچنین ایجاد آشنایی‌زدایی از زبان هنجار مؤثر است و «لذت‌بردن از آن در شعر کودک و در شعر عوام گویا امری غریزی است و یا نزدیک به غریزی و به همین دلیل هم هست که در شعر کودکان و شعر عوام چشمگیرترین عامل محسوب می‌گردد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۳: ۹۵). بسیاری از صاحب‌نظران، بحر هزج را مناسب موضوعات حزن و اندوه می‌دانند و معتقدند که بحر هزج، جوشش اندوه را نمایان می‌سازد (رک. امامی، ۱۳۶۹:

۸۰) و برای موضوع‌های محزون و غمگین (رک. سراج، ۱۳۶۸: ۵۷) یا مفاهیم عاشقانه و آرام‌بخش (رک. وحیدیان‌کامکار، ۱۳۶۷: ۷۴) مناسب است. بنابراین نمی‌توان وجهی بر کاربرد آن در شعر کودک یافت. در کنار موسیقی بیرونی، موسیقی کناری آن، یعنی کاربرد قافیه و ردیف نیز بسیار سنگین است. قافیه‌ها در این سروده نه تنها مناسب کودک نیست؛ بلکه می‌توان گفت در بسیاری نمونه‌ها، با حال‌وهوای شعر بزرگسال تناسب دارد. قافیه‌هایی مانند دشت / گشت، بیابان / سیاهان، خون‌خوار / کھسار، هوشیاران / انسان، دهقان / حیران و... موسیقی سنگینی ایجاد کرده است. موسیقی کناری در این سروده را می‌توان همانند وزن آن مناسب شعر بزرگسال دانست؛ چیزی که امروزه دیگر در شعر کودک مقبول نیست. در نگاهی به انتخاب شعر کودک در دهه‌های بعد و حتی همین دهه، می‌توان استقبال نکردن شاعران از این اوزان را دید. موسیقی درونی در برخی ابیات برجسته و پررنگ دیده می‌شود:

گهی و گاهی (جناس در کنار تکرار):

«گهی در کوه و گاهی در بیابان گهی آهسته و گاهی شتابان»

(یمینی شریف، ۱۳۴۴: ۲۰)

۳.۱.۳. تکرار

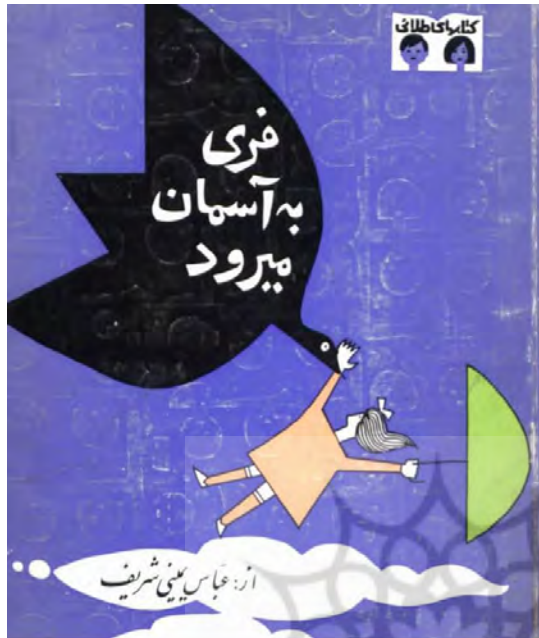
«ز روی کوه‌ها و دره‌ها برد چو مرغان هوا روی هوا برد» (همان: ۹)
 «از آنجا دور شد یک گام یک گام به پشت کوه رفت آرام آرام» (همان: ۱۰)
 «ز جانداري نمی‌آمد صدایی صدایی در نمی‌آمد ز جایی» (همان: ۱۴)
 «نگهداری کند از او به خوبی پرستاری کند از او به خوبی» (همان: ۱۹)

در بیت آخر، تمام بیت قافیه و ردیف است. با این همه، موسیقی درونی شعر نتوانسته است نبود موسیقی بیرونی مناسب را جبران کند. در گزارش این کتاب، هیچ اشاره‌ای به کمبودهای موسیقایی، سنگینی وزن و از همه مهم‌تر، تناسب‌نداشتن وزن عروضی با روحیه‌ی کودک نشده است. به‌طور کلی در این سروده، شعر کودک هویت خاص خود را نیافته است و با اینکه از لحاظ مضمون کودکانه سمت‌وسوی درستی دارد، اما زبان

شعری تناسب شایسته‌ای با گروه سنی مخاطب ندارد؛ باین‌همه انتخاب این کتاب، آن هم در سال‌هایی که سرودن برای کودکان کمترین اهمیت را در بین فعالان ادبی ایران داشته است، گام مهمی در راستای سامان‌دادن به این نوع ادبی به حساب می‌آید.

۴.۱.۳. تصاویر

حضور تصویر در کتاب‌های کودکان اهمیت بسیاری دارد؛ هم به دلیل تجسم معنای متن و گسترش آن و ایجاد بستر لازم برای رؤیاپردازی و هم به دلیل ایجاد جذابیت‌های دیداری. بحث تصاویر کتاب‌های کودکان بسیار فراتر از این مجال است و در اینجا تنها به تأثیر آن بر شکل کلی کتاب بسنده می‌کنیم. تصاویر کتاب را مرتضی ممیز با استفاده از تکنیک خطوط ساده در شکل‌هایی دوبعدی و بدون رنگ کشیده است که با معنای متن تناسب دارد؛ اما تصاویر چیزی فراتر از مفهوم متن به کودک نمی‌دهند و مجالی برای خیال‌پردازی مخاطب فراهم نمی‌کنند. از آنجاکه رنگ از عناصر مهم دیداری است که احساسات گوناگونی را در بیننده برمی‌انگیزد، استفاده‌نکردن از رنگ در تصاویر، این کتاب را برای مخاطب کودک بی‌روح و سرد می‌سازد. تنها تصویر رنگی کتاب جلد آن است (تصویر شماره‌ی ۱). تصاویر رنگی و متناسب، انتخاب اندازه‌ی حروف و فونت مناسب نوشته، می‌توانست شکل کلی کتاب را دلنشین‌تر کند. داوران شورا نیز بر این عقیده بوده‌اند که «اگر تعداد صفحات این کتاب بیشتر می‌شد، حروف بزرگتری برای چاپ انتخاب می‌کردند و جای بیشتری به تصاویر اختصاص می‌دادند، شکی نیست که جلوه‌ی کتاب بیشتر می‌شد و خواندن آن از نظر بچه‌ها آسان‌تر و دلنشین‌تر» (سهراب، ۱۳۴۵: ۹).



تصویر ۱. فری به آسمان می‌رود

تصویر ۲. فری به آسمان می‌رود



فرباد بچه‌ها

تمام بچه‌ها کردند فرباد
همه مهر فزری مانند بازان
فری شیون کنان میرفت بالا
شد آخر کم کم از چشم رفیقان
خبر بردند مهر مادر او
شد از غم مساور بیچاره گریان
میان شهر بیچیده این خبر زد
بیا شد های هوی و داد و بیداد
ز غم میریختند اشک فراوان
بمال زار او میسخت دلها
میان ابرهای تیره پنهران
ز باد و چتر و حال دختر او
پند زارید و غمگین شد فراوان
بهرجا صحبت از چتر و فری بود



پرواز در آسمان

بهرجا ابرها را بساد میبرد
فری را با دلی ناشاد میبرد

۲.۳. قصه‌ی طوقی

قصه‌ی طوقی سروده محمود مشرف‌آزادتهرانی (م. آزاد)، نقاشی ناهید حقیقت و ناشر آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این کتاب قصه‌ای است به شعر از داستان قدیمی ایرانی درباره‌ی پرنده‌ای به نام «طوقی» که مقداری پنبه در دشت پیدا می‌کند و برای تهیه‌ی قبا برای خود، نزد صاحب مشاغلی مثل جولای (نخ‌ریس)، شَعْرَباف، رنگرز و درزی می‌رود؛ هرکدام از او مزدی طلب می‌کنند و قصه هر بار با تکرار گفتگوهای آهنگین پیش می‌رود و در انتها با تهیه‌ی قبا، به سرانجام می‌رسد. قصه‌ی طوقی به‌عنوان کتاب برگزیده سال ۱۳۴۷ برای کودکان قبل از دبستان یعنی تا هفت سال انتخاب شده است (سهراب، ۱۳۴۸: ۱۰).

گزارش نقد شورا درباره‌ی کتاب :

قصه‌ی طوقی به‌عنوان کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۴۷ برای کودکان قبل از دبستان یعنی تا هفت سال انتخاب شده تا توسط بزرگترها برای آنان خوانده شود. گروه ناگزیر می‌داند علت ذکر این نکته را که این کتاب فقط برای سنین قبل از دبستان مناسب است، توضیح دهد. قصه‌ی طوقی یک داستان قدیمی ایرانی است و به شعر روان و قشنگی تنظیم شده است ولی در آن کلمات شکسته‌ی فارسی به‌طور فراوان وجود دارد. از این رو خواندن آن حتی برای کودکان تهرانی نیز خالی از اشکال نیست و به همین دلیل فقط برای کودکان قبل از دبستان استفاده می‌شود به این امید که هر مادر یا مربی در هر شهرستان یا هر گوشه‌ای از ایران بتواند آن را به لهجه‌ی محلی عامیانه خود بازگو کند و مشکل کلمات نامفهوم را برای کودکان منطقه خود به این ترتیب بردارد. شاعر می‌توانست با استفاده از کلمات صحیح، همین اثر را برای خواننده‌ی خردسال به وجود آورد و در ضمن، خواندن این داستان زیبا و مناسب را برای کودکان سال‌های اول دبستان نیز آسان سازد. مثلاً چه می‌شد اگر به جای «پر که می‌زد در آسمون، درس می‌شد رنگین‌کمون، می‌نوشت: پر که می‌زد در آسمان، درست می‌شد رنگین‌کمان». یا به جای «جیک‌وجیک‌وجیک آواز می‌خوند، ساز که نداشت بی‌ساز می‌خوند، می‌نوشت: جیک‌وجیک‌وجیک آواز می‌خواند، ساز که نداشت بی‌ساز می‌خواند». به جای خوب می‌نوشت جوی و به این ترتیب تمام اشعار

را می‌توانست بدون ازدست‌دادن لطف آن به فارسی صحیح و ساده برگرداند. تکرارهای این داستان برای کودکان خردسال بسیار دلنشین است و در نقاشی و تنظیم صفحات هنرمندی بسیاری به کار رفته است (سهراب، ۱۳۴۸: ۱۰).

۱.۲.۳. زبان

جذابیت این قصه برای کودکان در کلامی موزون، آهنگین و زبانی کودکانه و پرتکرار دوچندان شده است. قصه‌ی طوقی چنین شروع می‌شود «یکی بود یکی نبود/ مرغکی بود...»، کلیشه‌ای معمول که مخاطب را از جهان واقع می‌رهاند و به دنیای قصه می‌برد و در فضایی رؤیایی، رها از قید زمان و مکان، به کودک اجازه خیال‌پردازی می‌دهد: «یه صبح بهار/ یه روز قشنگ/ آسمون آبی / گلا رنگ به رنگ/ آفتاب و مهتاب/ سرخ و سفید» (م. آزاد، ۱۳۴۷: ۳). تصویرها و مضامین خلق شده نیز به خوبی از پس آشنایی زدایی و ایجاد غرابت معنایی برآمده و ادبیت اثر را تقویت کرده است. جان‌بخشی به موجودات و پدیده‌ها، جوهر اصلی سروده است و اساساً شعر در بستر انسان‌نگاری حیوانات و پدیده‌ها خلق شده است. هنجارگریزی معنایی و واژگانی بزرگترین شاخصه‌های برجسته‌ساز زبان در این سروده هستند:

خروس آواز خوانی که سخن می‌گوید:

قوقولی قوقو/ کی خواب کی بیدار؟/ طوقی جون پاشو/ برو سرکار (همان: ۷)؛

یا صحبت کردن طوقی با انسان‌ها:

تق و تق و تق / جولا سلام / پنبه دارم / می‌ریسی برام؟ (همان: ۱۲).

در نقد شورا به کاربرد کلمات شکسته نقد وارد شده است؛ درحالی‌که با نگاهی به شعر می‌توان بیشترین هنجارگریزی‌های واژگانی را در لابه‌لای همین بندها یافت. در واقع یکی از محاسن و جذابیت‌های این اثر آن است که متن در سیطره‌ی کلمات شکسته و عامیانه قرار گرفته است. شاعر از این تکنیک برای افزایش وجه موسیقایی شعر بهره برده است، اما افزون‌بر آن، به جرأت می‌توان گفت حضور کلمات شکسته به صمیمیت و دلنشینی شعر نزد کودک کمک زیادی کرده است. همچنین کاربرد این نوع کلمات و کوتاهی مصرع‌ها، در اشتیاق کودک به حفظ کردن آن، بسیار مؤثر است:

پر که می‌زد تو آسمون / دُرُس می‌شد رنگین‌کمون (همان: ۲)؛
 این‌ور خوب / اون‌ور خوب / هم این‌طرف / هم اون‌طرف (همان: ۳).
 در کنار کلمات شکسته عبارات عامیانه نیز بر صمیمت شعر افزوده است:
 بابای طوقی / زد زیر خنده / حالا نخند و کی بخند (همان: ۹)؛
 بده به درزی / تا آقا درزی / دس بالا کنه / واسه عیدت / یه قبا کنه (همان: ۱۱).
 در برخی بندها قصه به روایتی نمایشی تبدیل شده است:
 طوقیه در زد / تق‌وتق‌وتق / -درزی! سلام / یه پارچه دارم می‌دوزی برام؟ / -چرا ندوزم؟ /
 خوبم می‌دوزم! / -اگه پارچه رو بدوزی برام / چی ازم می‌خوای؟ (همان: ۲۲).
 رویکرد مخاطب‌محور شورای کتاب کودک در نقد این کتاب، با توجه به رسالت آموزشی که شورا در پرورش شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان برای خود در نظر داشته، توجیه‌شدنی است. پرداختن به نکات آموزشی قواعد زبان و مراقبت از ذهنیت زبانی کودکان پیش از دبستان، بسیار ستودنی است، آنچه در نقد این شعر از سوی شورا مغفول مانده، جنبه‌های فراوان زیبایی‌شناسی است. با اینکه در معیارهای معرفی‌شده، به کارگیری کلمات شکسته، مجاز شناخته‌شده؛ این میزان اصرار بر کاربرد صحیح کلمات، غیرمنطقی به نظر می‌رسد. اهمال در معرفی ایرادهای وزنی یکی دیگر از نواقص مهم داوری این کتاب است که در خلال بررسی موسیقی سروده به آن خواهیم پرداخت.

۲.۲.۳. موسیقی

موسیقی شاد و آهنگین بزرگ‌ترین توفیق این سروده است. وزن ترانه‌گونه‌ی آن از تکرار ارکانی با ضرب‌آهنگ قوی (فعلاتن فعلن مفاعلن مستفعلن) تشکیل شده است که به‌طور مداوم و با توجه به نیاز شاعر تغییر می‌کند. درباره‌ی وزن ترانه‌ها در میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد. خانلری وزن این گونه ترانه‌ها را نه هجایی می‌داند و نه عروضی؛ «وزن ترانه‌های عامیانه که اکنون در تهران و بسیاری از شهرها متداول است، نه هجایی است و نه عروضی، بلکه مبنای وزن در آن‌ها دو اصل است: یکی کمیت هجاها (و این اصل همان مبنای شعر فارسی است) و دیگر تکیه. این دو اصل در ترانه‌ها هر دو با هم

مورد اعتبار است و در یکدیگر تأثیر دارد» (ناتل خانلری، ۱۳۶۷: ۷۳). بنابراین او وزن این‌گونه ترانه‌ها را هجایی و تکیه‌ای می‌داند. آذرمکان و نجاتی‌جزه، در پژوهشی که به بررسی ماهیت وزن شعر کودک پرداخته‌اند، پس از بررسی دیدگاه صاحب‌نظران مطرح درباره‌ی وزن ترانه‌ها، به همین نتیجه دست یافته‌اند. نگارندگان مقاله پس از بررسی‌های دقیق و مصداقی، در آخر، وزن شعر کودک را هجایی تکیه‌ای معرفی می‌کنند (آذرمکان و نجاتی‌جزه، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۱۶). کاربرد وزن ترانه‌ها در شعر کودک نه تنها متداول بلکه به‌دلیل موسیقی شاد آن بسیار مطلوب است. در این سروده از همان بندهای آغازین کودک با موسیقی شادی روبه‌رو می‌شود:

یکی بود، یکی نبود / مرغکی بود / خیلی قشنگ / زبر و زرنگ / بال و پرش رنگ‌به‌رنگ /
 پر که می‌زد تو آسمون / دُرُس می‌شد رنگین کمون: / سبز می‌شد / زرد می‌شد / آبی می‌شد /
 قرمز عنابی می‌شد (م. آزاد، ۱۳۴۷: ۲)

با این‌همه در برخی از بندها، وزن سروده رعایت نشده و بیشترین عیب موسیقایی آن نیز همین مسئله است:

جون پدر / واست بگم / قوزه رو می‌گیرن / تخمشو می‌کارن / آبش میدن / بته‌ش در میاد /
 سبز می‌شه / بزرگ می‌شه / قوزه می‌ده (همان: ۹).

در میانه‌ی این بند، سنگینی وزن به حدی زیاد می‌شود که به‌سختی می‌توان آن را به‌صورت شعر خواند. مصرع «قوزه رو می‌گیرن» و پس از آن، «تخمشو می‌کارن» را چگونه باید تقطیع کرد تا پس از مصرع‌های ابتدایی به‌راحتی خوانده شود؟ علاوه‌بر ایراداتی که در موسیقی بیرونی سروده وجود دارد، گاهی موسیقی کناری هم رها شده است:

جون پدر / واست بگم / قوزه رو می‌گیرن / تخمشو می‌کارن / آبش میدن / بته‌ش در میاد /
 سبز می‌شه / بزرگ می‌شه / قوزه می‌ده / حالا طوقی جون / قوزه رو وردار / بیر توی ده / به
 جولا بده / نخ بریسه / نخا رو بگیر / بده به شعر باف / رنگ بزنه / بعدشم ببر / بده به درزی /
 تا آقا درزی / دس بالا کنه / واسه عیدت / یه قبا کنه (همان: ۱۰-۱۱).

در این بند، تمام مصرع‌های ابتدایی، بدون قافیه و ردیف سروده شده است. شیوه‌ی سرایش عامیانه در این سروده، نباید شاعر را به سمت بی‌توجهی به موسیقی کناری می‌کشاند؛ زیرا ردیف و قافیه در شعر کودک از اهمیت بسیاری دارد و یکی از عوامل اصلی حفظ و یادآوری آسان، حضور قافیه و ردیف در شعر است. «ذهن آدمی با شنیدن یک شعر، بعد که بخواهد آن را از حفظ بخواند، در بسیاری موارد از قافیه کمک می‌گیرد، یعنی از یادآوری کلمات هماهنگ و هم‌شکل که کار بسیار ساده‌ای است به یاد جملاتی می‌افتد که این کلمات در پی آن‌ها بوده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۶۷). اگر این نمونه‌ها در شعر رعایت می‌شد، تغییر چشمگیری در کیفیت آن پدید می‌آمد. یکی از نکات مهمی که نبودش در گزارش داوری این کتاب به چشم می‌آید، توجه به همین نمونه‌ها، یعنی ایرادهای وزنی و موسیقایی آن است. معرفی این نواقص، نه از روی مانع‌تراشی در مسیر شاعران کودک، بلکه با هدف رشد آن، می‌توانست بسیار مؤثر باشد. البته موسیقی درونی سروده بسیار غنی است. تکرارهای فراوان واژه‌ها و نمونه‌های متعددی از موسیقی اسم صوت، به‌خوبی توانسته است بار خلق موسیقی را در این سروده به دوش بکشد:

رفت و رفت و رفت / پرید و پرید / دوید و دوید / هو هو هو / بادی وزید (م. آزاد، ۱۳۴۷: ۱۰).

در این بند علاوه‌بر تکرار واژگان، توازن نحوی کامل و زیبایی نیز خلق شده است. این‌گونه تکرارها را بیشتر در کاربرد موسیقایی اسم صوت می‌توان دید. گاه صدای پرنده: «جیک و جیک و جیک آواز می‌خوند»، «قوقولی قوقو/ قوقولی قوقو/ کی خواب؟ کی بیدار؟» و گاه صدای اشیا: «پرید رو بوم/ گمب و گمب و گمب»، «طوقی پرید تا دم در/ تق و تق و تق» یا صدای طبیعت: «هو...هو...هو...بادی وزید». از دیدگاه مباحث زیبایی‌شناختی، موسیقی اسم صوت برای برجسته‌سازی هنری در سطح زبان اهمیت فراوانی دارد که نشان‌دهنده‌ی کودکانگی زبان است و در مسیر ایجاد ارتباط با کودک تأثیر فراوان دارد. هم‌خوانی‌های آوایی در این شعر که با توزیع مناسب در کل سروده دیده می‌شود، سطح زبانی سروده

را به شکل موفق‌ی هنری جلوه می‌دهد. می‌توان گفت کاربرد این اسم صوت‌ها و تکرارهای آهنگین، مرکز اصلی برجسته‌سازی در سطح موسیقی زبان است.

تکرارهای خوشایندی که در نقد کتاب نیز باعث تشویق داوران شده، شعر را سرشار از موسیقی درونی کرده است. تکرار پی‌درپی چند بند در کنار تکرارهای فراوان واژه‌ها، زبان را در شعر به بازی گرفته و کودک را نیز به این بازی خوشایند دعوت می‌کند. تکرار متناوب بندهای زیر حرکتی دایره‌ای و بازی‌گونه ایجاد کرده است و کودک در ادامه منتظر تکرار این بازی است:

آواز بخون / آواز بخون / ساز نداری / بی‌ساز بخون / قشنگ بخون / با ناز بخون (م. آزاد، ۱۳۴۷: ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۳)؛

آقا کوچولو / کوچول مویچولو / گرد و تپلو / زود بیا جلو / حرفامو بشنو (همان: ۱۸، ۱۳، ۲۰، ۲۲)؛

پارچه رو نصف کن / نصفشم نصف کن / نصف اون نصفه / مزد دست من / ناز شست من (همان: ۱۵، ۱۷، ۲۳).

مضمونی که ما آن را *ترانه‌ی کار می‌نامیم*، از دیگر جذابیت‌های این سروده است. شاعر به گونه‌ای ضمنی به معرفی مشاغل و مناسبت‌های آن پرداخته است. ترانه‌خواندن شخصیت‌ها به هنگام کار، به دلیل تکرارهای متناوب، موسیقی درونی شگفتی خلق کرده است. برای مثال آوازخواندن جولا (نخ‌ریس):

بریس بریس ریسک من / بچرخ بچرخ چرخک من / نخ می‌ریسم از پنبه / از شنبه تا پنجشنبه / جمعه می‌رم به صحرا / به گردش و تماشا (همان: ۱۲).

در این بند صدایی که از تکرار حروف سین، چ و خ ایجاد می‌شود، تصویری عینی از فضای شغل ریسندگی ترسیم می‌کند که به خلق نمایی هنری در شعر منجر شده است. طول این سروده ۲۴ صفحه (۴۳۶ سطر) است و اشکالات وزنی و موسیقایی، امکان به‌خاطر سپردن همه‌ی شعر را عملاً منتفی می‌کند؛ باین حال برخی از بندهای پرتکرار و

خوش‌آهنگ آن که از نظر وزنی نیز سالم هستند، به‌آسانی می‌توانند در حافظه کودک ثبت شوند.

۳.۲.۳. تصاویر

تصاویر براق کتاب با ترکیب مناسب رنگ‌های گرم و سرد، حس نشاط را در مخاطب برمی‌انگیزد. اشکال دوبعدی و سبک سوررئال آن با مضمون قصه همسویی مناسبی پیدا کرده است. در برخی از صفحات کتاب، می‌توان هنجارگریزی نوشتاری را نیز مشاهده کرد؛ بندهای سروده به‌صورتی نوشته شده که با آهنگی که شعر ایجاد می‌کند، هم‌خوانی مناسبی دارد. صفحه‌بندی کتاب و جای نقاشی‌ها در هر صفحه، در القای حس پویایی و حرکت موفق بوده است و به‌شیوه‌ای هنرمندانه اجرا شده و این هنرمندی از دید داوران دور نمانده است. تصاویر کتاب را ناهید حقیقت کشیده است.



تصویر ۴. قصه‌ی طوقی

تصویر ۳. قصه‌ی طوقی

۳.۳. گل اومد بهار اومد

گل اومد بهار اومد سروده‌ی منوچهر نیستانی با تصویرگری پرویز کلانتری در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است. این کتاب داستانی است به شعر و درباره‌ی دختری به نام «نخودی» است که احساس تنهایی می‌کند. فال‌گیر او را

از طلسم دیو آگاه می‌کند و نخودی برای شکستن طلسم تنهایی خود، به جنگ دیو می‌رود و او را شکست می‌دهد. سرانجام عمو نوروز با آوردن بهار، همراه با شور، نشاط، سرسبزی و آواز پرندگان، نخودی را از تنهایی می‌رهاند.

این کتاب در سال ۱۳۴۸ کتاب برگزیده‌ی سال شعر کودک انتخاب شده است. در نقد شورا توجه ویژه‌ای به اهمیت تصاویر شده است:

این کتاب داستان نخودی، دختر خردسالی است که برای یافتن بهار و همدم و همبازی به جنگ دیو می‌رود. نقاشی‌های آن بسیار زیبا و تخیل‌برانگیز است. دیو آن با همه ترسناکی نمی‌ترساند و استفاده از طرح‌های ایرانی، نقاشی‌های آن را دلچسب می‌کند. شعر آن آزاد و آهنگین و مملو از کلمات شکسته‌ای است که آن را قابل خواندن بزرگسالان و گوش دادن خردسالان می‌کند. بانوجه به این نکته می‌توان توأم شدن متن و نقاشی را که نقص کتاب است ندیده گرفت (سهراب، ۱۳۴۹: ۵).

۱.۳.۳. زبان

شکل کلی شعر به دلیل وجود عناصر زندگی سنتی، دلنشین است. شعر به وسیله‌ی کاربرد موتیف‌های آشنای زندگی سنتی موقعیتی صمیمی پیدا کرده است. گلاب‌پاش، ترمه، پارچه‌ی پیرهنی، دم کردن چای، سرمه، کولی و فال‌گیر و سایر موتیف‌های آشنای زندگی سنتی در ساختار محکم سروده شکل هنری نیرومندی یافته‌اند و از عناصر اصلی برجسته‌ساز زبان در این سروده هستند:

این‌ور رف، گلاب‌پاش / اون‌ور رف، گلاب‌پاش / ترمه‌ی سوزنی داشت / پارچه‌ی پیرهنی داشت (نیستانی، ۱۳۴۸: ۳)؛

برگشت و جاشو جم کرد / چایی رو آورد و دم کرد (همان: ۵)؛

شونه به زلفونش کشید / سرمه به مژگونش کشید (همان: ۶).

در این بندها صمیمت فضای شعر به واسطه‌ی کاربرد همین عادت‌های آشنا، به گونه‌ای هنری و غیرمستقیم به مخاطب القا شده و زبان سروده را برجسته نموده است. همچنان روایت و قصه، شاخصه‌ی اصلی سرودن برای کودکان است. عنصر «جادو» از عوامل اصلی آشنایی‌زدای این سروده است. فال‌گیر، دیو، طلسم، سفر برای شکستن طلسم و

عمو نوروز از عناصر قصه‌های عامیانه هستند که هنجارگریزی واژگانی و معنایی را ایجاد کرده و عبارات فراوان عامیانه در این سروده، به خلق زبانی هنری کمک کرده است:

نخودی نه به از شما/ شده بود یه قرص ماه (همان: ۷)؛

دیوه رو میگی؟ ده بخند/ حالا نخند و کی بخند (همان: ۱۳).

گزارش داوری کتاب در مقایسه با سال گذشته نشان از مقبولیت کاربرد شکسته کلمات در شعر دارد. انتقاد نکردن از این موضوع به مفهوم پذیرش کاربرد کلمات شکسته است؛ درحالی که کاربرد کلمات شکسته در کتاب قبل، با انتقاد شدید داوران مواجه شده بود و این مسئله نشان از تغییر نگرشی اساسی در نقد و داوری شعر کودک دارد. در گزارش داوری کتاب آمده است: «شعر آن آزاد و آهنگین و مملو از کلمات شکسته‌ای است که آن را قابل خواندن بزرگسالان و گوش دادن خردسالان می‌کند» (سهراب، ۱۳۴۹: ۵). عبارت «قابل خواندن بزرگسالان و گوش دادن کودکان» اشاره‌ای ضمنی بر مراقبت از کاربرد کلمات شکسته برای کودکان نوآموز دارد. کلمات در شعر، دقیقاً همان‌گونه نوشته شده که در زبان محاوره و عامیانه ادا می‌شوند و بیشترین هنجارگریزی را در نوشتن شکل کلمات به وجود آورده است. عباراتی مثل: نیگا نیگا کرد، دُرُسّه، جاشو جم کرد، انگار یکی بات دشمنه و...، به‌طور کلی نظر داوران را به خود جلب کرده است و آن‌ها دیگر اصراری بر کاربرد کلمات سالم ندارند.

باین‌همه، کاربرد بعضی از کلمات برای کودک نامأنوس و دشوار است و زبان بیش‌ازآنکه کودکانه باشد، عامیانه است. دربند «روی رف تنگ بلور/ این‌ور رف گلاب‌پاش/ اون‌ور رف گلاب‌پاش» (همان: ۳) واژه‌ی «رف» برای کودک ناآشناست. در بیت «اما ببینم نخودی/ چرا یهو تو لب شدی؟» (همان: ۲۳) عبارت «تولب شدن» را نمی‌توان در واژگان کودکانه جست. همچنین واژه‌ی «مادیون»، که در شکل شکسته‌ی خود دشوارتر نیز شده است «سوار مادیون شد/ تو دره‌ها روون شد» (همان: ۱۲). کاربرد کلمات نامأنوس در شعر کودک، به‌دلیل درک نشدن آن، باعث پس‌زدن شعر از سوی کودک خواهد شد و هدف شاعر را در القای مفهومی به مخاطب، نقض خواهد کرد. در برخی از بندها

تنها پل ارتباطی شاعر و کودک موسیقی است و بعید به نظر می‌رسد ذهن کودک بتواند مضمون و محتوا را دریابد. سروده در برخی بندهای میانی خود، به نوعی پیچیدگی نیز دچار شده است. برخی فضاهای ترسیم‌شده برای کودک به‌سختی درک‌پذیر هستند و سادگی بندهای اول را ندارند:

نخودی واسه همیشه / دیوه رو کرد تو شیشه / دیوه چی بود؟ ابر سیا / به شکل دیو بد ادا / دشمن ابرای سفید / لچ کرده بود نمی بارید / دیوه که از میون رفت / دود شد به آسمون رفت / باید بارون باره / که نوبت بهاره (همان: ۱۵)

در بند یادشده، شاعر آنچه را در ذهن داشته نتوانسته است به‌روشنی بیان کند. ارائه‌ی تعریف از هویت دیو، مکانیسم طلسم و زمان جملات به‌گونه‌ای نامناسب و گنگ بیان شده است. توضیح و تشریح دقیق‌تر این موقعیت می‌توانست تصویر واضح‌تری به مخاطب ارائه کند. مخاطب بزرگ‌سال با سفیدخوانی متن می‌تواند جای خالی تصاویر شعری و ناگفته‌ها را پر کند، اما این‌گونه ضعف‌ها برای کودکان که منتظر تصاویر عینی و تعاریف ساده‌اند، ملال‌آور است.

با اینکه کاربرد کلمات شکسته در شعر فراوان است و به‌لحاظ زبانی آن را به زبان کودکان نزدیک کرده است، اما نوعی نگرش بزرگ‌سالانه درکل سروده احساس می‌شود. می‌توان گفت مضامینی مثل احساس تنهایی و نداشتن «جفت هم‌آشیون»، مبارزه‌ی قهرمانانه و نجات‌بخشی تا حدودی فضای شعر را انتزاعی کرده‌اند. به‌طور مثال در بند «می‌گفت: چرا خدا جون / تو این بر و بیابون / تنهای تنها موندم / از زندگی واموندم /... / چجوری از تنهایی فرار کنم؟ / هوار کنم؟ / سر بذارم به صحرا / دل بکنم از اینجا؟» (همان: ۵) و در ادامه در بندی که نخودی با خود می‌گوید «نه نخودی / مگه دیوونه شدی؟ / دل بکنی از اینجا کجا می‌ری؟ / سر می‌ذاری به صحرا؟ /... / غصه که کار نمی‌شه / اینو بدون همیشه!» (همان). جنس تنهایی و نوع گفتگوی با خویشان، آن هم برای رهایی از این جنس غصه، بیشتر بیان‌گر حالاتی بزرگ‌سالانه است. به‌طور کلی این‌گونه مفاهیم با اینکه در جهان کودکان ناآشنا نیستند، اما در این سروده از جنس تنهایی

کودکانه نیست. در گزارش نقد کتاب آمده است: «این کتاب داستان نخودی، دختر خردسالی است...» اما این گونه نشانه‌های زبانی و کلامی، تصویری غیر از سنین خردسالی و کودکی را نشان می‌دهد که حتی نمی‌توان آن را در حوزه‌ی تخیل کودکانه جای داد.

۲.۳.۳. موسیقی

موسیقی سروده به سبب وزن ترانه‌ای، شاد و آهنگین است. تکرار ارکانی با ضرب‌آهنگ تند (مفتعلن مفتعلن فاعلن فاعلاتن) و کوتاهی مصرع‌ها، موسیقی بیرونی شادی آفریده است. رعایت موسیقی کناری در به کارگیری قافیه‌های آهنگین و استفاده فراوان از ردیف نیز بر جذابیت موسیقایی آن افزوده است. از ردیف به عنوان اصلی‌ترین عامل موسیقی‌ساز در شعر و یکی از عوامل مهم هنجارگریزی در سطح زبان، در این سروده با گشاده‌دستی بسیاری استفاده شده است.

نخودی نگو بلا بود / خوشگل خوشگلا بود / اما فقط یه غم داشت / یه چیز تو دنیا کم داشت / همدل وهم‌زبون نداشت / جفت هم‌آشیون نداشت / نخودی تو اون درندشت / تنهای تنها می‌گشت (همان: ۳).

در این بند و نمونه‌های فراوان دیگر، می‌توان انسجام بافت موسیقایی شعر را به روشنی مشاهده کرد. وزن شعر در هیچ‌کدام از مصرع‌ها رها نشده، ردیف‌های پی‌درپی و قافیه‌های خوش‌آهنگ موسیقی‌کاملی آفریده است. تکرار و تجانس «خوشگل خوشگلا» و «تنهای تنها» در درون این بند بر موسیقی آن افزوده است.

در درون بافت شعر، موسیقی ناشی از اسم صوت پدیده‌ها و جناس‌های متعدد، در کنار تکرارهای مناسب، موسیقی شعر را غنی کرده است. در واقع بافت موسیقایی پیوسته و زنجیرواری در کل این شعر ایجاد شده که با ضرب‌آهنگ تند خود هم‌خوانی عمیقی با جهان کودکانه به وجود آورده است:

«یه هفته، دو هفته، سه هفته / چهارهفته بود / که برف و سرما رفته بود / یه روز یه کولی اومد / تق‌تق‌تق به در زد» (همان: ۷).

در این بند تکرار پی‌درپی واژه‌ی «هفته» علاوه‌بر ایجاد موسیقی از طریق تکرار، حس انتظار را نیز القا می‌کند.

بیت «این ورشو نیگا کرد/ اون ورشو نیگا کرد» (همان: ۴) نمونه‌ای از تکرار پایان است که توازن نحوی زیبایی در پایان‌بندی محسوب می‌شود. استفاده از این موازنه‌ها، از رایج‌ترین شگردهای موسیقی‌آفرین است که در نزدیک‌کردن زبان به دنیای کودکان و به‌ویژه تقویت بار موسیقایی مؤثر است.

کوچیک‌تر کوچیک‌تر/ باریک‌تر باریک‌تر/ تا اینکه نابود شد/ دود شد و دود شد (همان: ۱۵).

در این بند با توالی تکرارها، نمونه‌ی کاملی از تلفیق موسیقی کودکانه، حس شاعرانه و زبان شعری مستحکم ایجاد شده است. تکرار صفات تفضیلی با موسیقی خاصی که در کاربرد پسوند «تر» دیده می‌شود، موسیقی زبان را به شکل بارزی تقویت کرده و تکرار فعل اسنادی در مصرع آخر، همراه با صدایی که مصوت کشیده «و» ایجاد کرده ترکیب زیبایی آفریده است.

پایان‌بندی خوشایند به‌ویژه بیت آخر، به‌عنوان حسن ختام، خاطره‌ی خوشی از خواندن کتاب در ذهن کودک باقی می‌گذارد:

«دیگه نخودی تنها نبود/ تنها تو اون صحرا نبود/ بازی می‌کرد و می‌پرید/ با گل می‌گفت، گل می‌شنید/ وای که چقدر عالی بود/ جای همه‌تون خالی بود!» (همان: ۲۴).

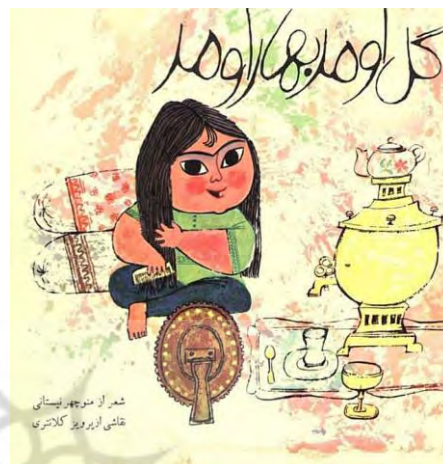
۳.۳.۳. تصاویر

تصاویر هنرمندانه کتاب در فضایی سنتی و ایرانی ترسیم شده است. رنگ‌های تخت و فرم‌های ساده‌شده، با دنیای کودکان تناسب دارد. تصاویر مواجی که در برخی صفحات، در شکل کلمات شعر ارائه شده، هنجارگریزی نوشتاری مناسبی ایجاد کرده است و حس حرکت و بازی را به خواننده القا می‌کند. پرویز کلانتری درباره‌ی تجربه تصویرگری‌اش در این کتاب می‌گوید: «... (در این کتاب) سعی کردم شکل و فضا کاملاً ایرانی باشد. متوجه شدم که کتاب هرچه ایرانی‌تر باشد، برایم جالب‌تر است. بیننده‌ها هم بیشتر آن را

می‌بینند و می‌پسندند» (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ج ۱۰: ۱۱۹۵) البته شایان ذکر است در داوری کتاب، توأم شدن متن و نقاشی، نقص کتاب عنوان شده است.



تصویر ۶. گل اومد، بهار اومد



تصویر ۵. گل اومد، بهار اومد

۴. نتیجه‌گیری

جوایز ادبی و هنری نقش پر رنگی در آفرینش و اعتلای کیفیت محصولات ادبی و هنری ایفا می‌کنند، همچنین این جوایز در ساخت و تغییر ذوق مخاطب و جامعه ادبی (کودک و خانواده) نقش اساسی دارند. انتخاب و معرفی آثار برتر، علاوه بر رشد و تعالی مثلث شعر، شاعر و مخاطب، در نهایت به پالایش ذوق ادبی و هنری منجر می‌شود. شورای کتاب کودک با چنین اهدافی از آغاز شکل‌گیری، به معرفی آثار برتر شعر کودک پرداخته و در این راه گام‌هایی مؤثر برداشته است. معیارهای داوری شورا اگر چه صورت جزمی و قطعی نداشته و گاه از یک اثر به اثر دیگر و از یک سال به سال دیگر دستخوش تغییر شده است؛ با این همه تلاش شورا برای وضع معیارهای نقد، رهایی جامعه ادبی از نقد ذوقی و حرکت در مسیر نقد علمی درخور تقدیر است. آنچه در نقد کتاب‌های منتخب شعر در دهه‌ی چهل مشاهده می‌شود، بیش از همه، تمرکز بر مسایل زبانی و مضامین اخلاقی و تعلیمی است.

اتفاق مهمی که در خلال داوری آثار استنباط می‌شود این است که محتوا محوری، آموزندگی یا وجه تعلیمی، آهسته‌آهسته اهمیت سابق خود را از دست می‌دهد و جنبه‌های فرمی و زبانی شعر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در نقد و داوری‌های شورا تناسب وزن، طول سروده، گزینش کلمات و به‌طور کلی به تلاش برای یافتن زبان کودکانه و آماده‌کردن زبان فارسی برای ایفای چنین نقشی توجه فراوانی شده است. این معیارها در عمل گاه البته نقض شده‌اند، برای مثال از اواسط دهه‌ی چهل زبان کودکانه و کاربرد کلمات شکسته، مجاز شناخته شده‌اند؛ اما کاربرد کلمات شکسته در عمل گاه با انتقاد و سخت‌گیری مواجه شده است یا علی‌رغم تأکید داوران بر کوتاهی شعر و در نظر گرفتن توانایی کودک، هر سه سروده‌ی این دهه در کمال شگفتی منظومه‌های بلند هستند؛ به‌طوری که فری به آسمان می‌رود در ۳۲ صفحه و قصه طوقی و گل اومد بهار اومد در ۲۴ صفحه تنظیم شده‌اند.

از نظر موسیقایی داوران شورا به موضوعاتی چون وزن شاد، کوتاهی مصرع‌ها، ظرایف کاربردی موسیقی بیرونی، درونی و کناری توجه نموده‌اند. به جز کتاب فری به آسمان می‌رود، در دو کتاب دیگر وزن شاد و کوتاهی مصرع‌ها رعایت شده است. در دومین و سومین کتاب برگزیده‌ی شورا، موسیقی درونی غنای درخور توجهی دارد و با معیارهای مدنظر شورا انطباق بیشتری دارد. هرچه به سال‌های انتهایی دهه‌ی چهل نزدیک‌تر می‌شویم بر وزن و اهمیت تصاویر افزوده می‌شود؛ به‌طوری که در گزینش آخرین کتاب، تصاویر و سبک ایرانی آن در مرکز توجه قرار می‌گیرند. شاعران و ناشران کودک نیز برای این عنصر کلیدی اهمیت خاصی قائل شده‌اند و با ایجاد تنوع‌های فرمی و استفاده از رنگ‌های مناسب از نقاشی به‌عنوان ابزاری مناسب در گسترش دامنه تخیل کودک و جذب مخاطب بهره گرفته‌اند.

منابع

- آذرمان، حشمت‌الله؛ نجاتی‌جزه، مرتضی. (۱۳۹۳). «وزن شعر کودک: عروضی؟ هجایی؟ یا تکیه‌ای-هجایی؟». *ادب‌پژوهی*، شماره ۳۰، صص ۱۰۱-۱۱۶.

- امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). *مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی*. اهواز: جهاد دانشگاهی.
- خسروی‌شکیب، محمد؛ مدنی، داوود. (۱۳۸۸). «نشانه‌شناسی زبان در شعر کودک». *فصل‌نامه‌ی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- سراج، حسام‌الدین. (۱۳۶۸). «موسیقی شعر». *سوره مهر*، شماره‌ی ۸، صص ۵۶-۵۷.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۵). *از این باغ شرقی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سهراب (مافی)، معصومه. (۱۳۴۲). *گزارش شورای کتاب کودک*. سال اول، تهران: شورای کتاب کودک.
- _____ (۱۳۴۵). *گزارش شورای کتاب کودک*. سال چهارم، تهران: شورای کتاب کودک.
- _____ (۱۳۴۶). *گزارش شورای کتاب کودک*. سال پنجم، تهران: شورای کتاب کودک.
- _____ (۱۳۴۷). *گزارش شورای کتاب کودک*. سال ششم، تهران: شورای کتاب کودک.
- _____ (۱۳۴۸). *گزارش شورای کتاب کودک*. سال هفتم، تهران: شورای کتاب کودک.
- _____ (۱۳۴۹). *گزارش شورای کتاب کودک*. سال هشتم، تهران: شورای کتاب کودک.
- _____ (۱۳۷۲). *هفده مقاله درباره‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان*. تهران: شورای کتاب کودک.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۸۳). *ادوار شعر فارسی*. تهران: سخن.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۵). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. ج اول: نظم، تهران: حوزه هنری.

مشرف‌آزادتهرانی، محمود. (۱۳۴۷). *قصه‌ی طوقی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

محمدی، محمد؛ قایینی، زهره. (۱۳۹۴). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. ج ۱۰، تهران: چیستا. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). *وزن شعر فارسی*. تهران: توس.

نیستانی، منوچهر. (۱۳۴۸). *گل اومد بهار اومد*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

وحیدیان کامکار، تقی. (۱۳۶۷). *وزن و قافیه شعر فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

یمینی شریف، عباس. (۱۳۴۴). *فری به آسمان می‌رود*. تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۵۲). *نیم‌قرن در باغ شعر کودک*. تهران: آتلیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی